



۴

شهیدانه

معلم شهید حمزه علی احمدی

نام و نام خانوادگی:
شهید حمزه علی احمدی

نام پدر: قبادعلی

تاریخ تولد : 1341

محل تولد : دهدز-ایذه

تاریخ شهادت : 26/8/1361

محل شهادت : عملیات مسلّم بن عقیل (جاوید الاثر) عملیات مسلم بن عقیل که (آری جی) زن نیز بود به درجه رفیع شهادت نایل آمدند:

۵

برای این روزها قابل تامل

امروز 16 آذر روز دانشجو، در فصل هزار رنگ پاییز؛ دانشکده‌ی ما میزبان استادی از دانشگاه انقلاب است، استاد وارد سالن آمفی تئاتر شد، ساختمانی میان درختان ایستاده و همیشه سبز سرو؛ استاد آشنای خاص و عام بود، همه او را میشناختند، عده‌ای به سبزی و عده‌ای به استواری و عده‌ای ستایشگر آزادی او. استاد با دعوت مجری پشت تریبون آمفی تئاتر رفت و با یاد خدا شروع کرد:

... من آمدم از انقلابی مقدس بگویم جمعیت ساکت، در انتظار خطابه استاد؛

استاد ادامه داد: جدیداً یک تحقیق انجام دادم به اینگونه بود که به روش دلفی 100 مشکل اساسی کشور خودمان از میان چالش های مهم کشور شناسایی کردم و به دو گروه ی ریشه ی اجرایی و ایدئولوژی تقسیم کردم. همچنین تعداد 100 مشکل 5 کشور مشهور سکولار را به دو قسمت فوق تقسیم کردم در انتهای تحقیق به این نتیجه رسیدم که تعداد مشکلات ناشی از ایدئولوژی در کشور های مذکور بیش از مشکلاتی می‌شود که به دستگاه اجرایی مرتبط باشد؛

تیترا

فرار اعضای کمیسیون آموزش مجلس از پاسخگویی به دانشجوی معلمان

با توجه به دغدغه های گوناگون دانشجو معلمان در خصوص نظام آموزشی و بیانات و مطالبات چندین ساله رهبر انقلاب در موضوع نظام تعلیم و تربیت و ساختار های آن، بسیج دانشجویی مرکز شهادی مکه سعی داشت در ایام روز دانشجو از اعضای کمیسیون آموزش مجلس دعوت به عمل بیاورد تا پاسخگو مطالبات دانشجومعلمان باشند برای همین موضوع طبق درخواست خود اعضا، نامه های جداگانه ای به دبیرخانه مجلس ارسال کرد که علاوه بر تایید اولیه و اعلام آمادگی در روز قبل از برنامه مهمانان، حاضر به حضور در دانشگاه نشدند. این در حالی است که اول با اعلام آمادگی درخواست ارسال دعوت نامه رسمی کردند تا در رزومه خود داشته باشند. از همین رفتار ها می‌توان به مظلومیت تعلیم تربیت پی برد، هرچند ما دانشجویان هیچ وقت با این موارد دل سرد نشده بلکه مصمم تر برای اصلاح این نظام آموزشی غلط خواهیم شد

۳

زندگی و ازدواج

مجرد، شاداب تراست یا متاهل؟

برای پاسخ به این سوال باید اول به خودمان رجوع کنیم چه اتفاقاتی ما را شاداب و خوش حال می‌کند ؟

تحقیقات انجام شده در زمینه مسائل خانواده، در مجموع نشان می دهد که افراد ازدواج کرده به طور متوسط، سالم تر و خوشحال تر از آنهایی هستند که ازدواج نکرده اند. اما نگاه به زندگی و انتخاب صحیح همسر دو عامل مهمی هستند که باعث می‌شود یک زندگی مجردی تبدیل به یک زندگی کاملاً عاشقانه یا تبدیل به یک جهنم واقعی شود. بستگی به ما دارد که چقدر در انتخاب و نوع نگاه خود دقت کنیم:

۸

هنر و رسانه

خوش رنگ لعاب مثل هتل بوداپست...

یک کمی جنایی عاشقانه؟!

THE GRAND BUDAPEST HOTEL (2014)

GENRE: COMEDY / DRAMA

IMDB: 8.1

THE GRAND BUDAPEST HOTEL اثر وس اندرسون فیلمساز آمریکایی که سبک فیلم سازی و فیلم برداری کارهایش منحصر به فرد و خیره کننده است:

این فیلم روایتگر داستان آقای گوستاو مدیر هتل بوداپست است که به دلیل رابطه عاشانه اش با پیرزن نا جذابی به اسم مادام دی وارث تابلوی نقاشی ای با ارزش می شود. اما با قتل مادام دی و اتفاقی که برای او می افتد و همچنین با ورود فرزندان او به ماجرا داستان کمی پیچیده شود:

۶

حرف دانشجو

سند تحول بنیادین آموزش

با سلام خدمت همه دانشجومعلمانی که در حال مطالعه نشریه فرهنگراه هستند

این قسمت ویژه تگ تگ شما دوستان است

زمان آن رسیده است که ما دانشجومعلمان صحبت کنیم و راحت حرف دل مان را بزنیم:

این قسمت برای شماست. .

هر مطلبی اعم از انتقاد از دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش کشور یا حتی انتقاد از نشریه دارید یا اگر یادداشت یا دل نوشته ای دارید خوش حال می‌شویم برایمان یا به صورت مستقیم یا از طریق لینک ناشناس به اشتراک بگذارید تا ان را در شماره بعدی در همین قسمت منتشر کنیم:

گروه حرف دانشجو نشریه فرهنگراه

۲

بین الملل و سیاست

قوانین جالب و کمتر شنیده شده که در دانشگاه های برتر دنیا اجرا می شوند

تمامی محیط های آموزشی در تمامی کشور ها ویژگی های منحصر به فردی دارد اما این بار میخواهیم با هم برخی قوانین مشترک بین دانشگاه های برتر دنیا را بررسی کنیم. —ه

دانشگاهی واقع در شهر کمبریج در ایالت ماساچوست با قدمت 386 ساله می‌رویم که قدیمی ترین دانشگاه آمریکا محسوب می‌شود، دانشگاهی با 22 هزار دانشجو در رشته های مختلف و با مساحت 85 هکتار، اما قوانین مهم این دانشگاه چیست؟ دانشجویان موظفند در محیط خوابگاه و رستوران بلوز، پیراهن یا ژاکت بپوشند یا بدون یقه بپوشند؛ پوشش شلوار آنها نیز باید بدون پارگی و ضخیم باشد. به استثنای رستوران، در همه جا مردان باید تنها پیراهن بپوشند بدون کراوات و زنان نیز باید پوششی متعارف و مناسب داشته باشند. دانشجویان موظفند مهمانان خود را از این قوانین پوششی مطلع نمایند:

۷

اجتماعی

تحلیل راننده تاکسی ها از آنچه در اینستاگرام می بینید به شما نزدیک تر است :

جمعیت زیادی از مردم در کشور ما دچار بیماری راننده تاکسی بودن شدند (#مرفا_جهت اطلاع : البته به قشر زحمتکش رانندگان تاکسی ، اسنپ و ... برنخورد ، منظور ما اقلیتی بین راننده تاکسی هاست که تحلیل هایشان به جای در پیت استفاده می شود ، از همین تریبون دست تمامی این افراد زحمتکش را می بوسیم) نه اینکه خودشان راننده تاکسی باشند بلکه تحلیل هایشان و اذهانشان تبدیل به ذهن یک تحلیل گر همه چیزدان شده که حقایق جهان را با یک جمله برای انسان هویدا می‌کنند. سوالی که پیش می آید این است که این موضوع به معلم چه ربطی دارد؟ اما داستان دقیقاً ما معلم ها هستیم:

ارتباط با نشریه فرهنگراه

کانال تلگرام

@FARHANGRAH_CFU

ادمین تلگرام

@FARHANGRAH_AD

رمزینۀ اینستاگرام

@FARHANGRAH_CFU

شناسنامه اثر

مدیر عامل و صاحب امتیاز : مجید ملکی

مدیر مسئول نشریه : علی قلعه نویی

سردبیر: مهرداد فرجی

طراح گرافیک : محمد حسین جواد



QR

رمزبینه اینستاگرام @FARHANGRAH_CFU

برای نویسندگی در این بخش با آیدی زیر از تلگرام در ارتباط باشید

@FARHANGRAH_AD



یادداشت

انسان بصیر کسی است که به درستی شنید و اندیشه کرد، پس به درستی نگرست و آگاه شد و از عبرت ها پند گرفت (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳) بعد از انقلاب یک کارخانه انسان سازی را به دست گرفتیم. ۱۲ سال تمامی فرزندان این ملت را در این ساختار خالی از روح انقلاب اسلامی و استکبار ستیزی محصور میکنیم و هر چه در اذهان پرورش میدهم، با انگاره های پوزیتیویستی و سکولار می باشد. آموزش و پرورش که باید مبدا تحول همه اتفاقات باشد، در خوابی عمیق فرو رفته است و هنوز در دولت مردمی که شعار تحول میدهد، شاهد اتفاق خاصی نبوده ایم. البته منکر رویکردهای مثبت نیستیم؛ برای مثال با دولت قبلی در باب حفظ دانشگاه فرهنگیان صحبت میکردیم، با این دولت در باب تحول دانشگاه؛

تحول چه شد؟ دانشگاه تمدن ساز چه شد؟ بگذارید از همین جا شروع کنم. دانشگاه فرهنگیان که باید دانشگاهی تمدن ساز باشد و با افقی بالاتر از مرزهای ملی طرحی برای تربیت معلم در جهان اسلام دهد و راهگشای مسیر جهانی شدن باشد، متأسفانه دچار اشکالات و ایراداتی بدیهی و حداقلی است؛

تابحال حتی یک ایده از دانشگاه ناظر به نظام آموزش و پرورش دیده نشده است. دانشجوی معلم باید نظریه پرداز حوزه آموزش و پرورش شود ولی کدام بستر یا حتی کدام رویکرد او را به سمت نقش آفرینی در پازل تحول سوق داده است. عدم ارتباط دانشگاه با علوم بروز و اساتید برجسته ایران و جهان، دانشجو را در یک یا دو واحدهای درسی که بگذرانند و برود، زندانی کرده است و این میشود که دانشگاه ایزوله، دانشجویان ایزوله و منفعل تربیت میکند. دانشگاه باید مرجع هسته های علمی و پژوهشی و پروژه های تحولی برای نظام آموزش و پرورش باشد، ولی با کدام دانشجو و هیأت علمی؟! در بسیاری از موارد هیأت علمی ناکارآمد، محتوا را هم ناکارآمد کرده است. در زمینه تأمین هیأت علمی تلاش های قابل تقدیری شده است ولی ما باید به فکر تربیت هیأت علمی باشیم نه فقط تأمین آن. دانشگاه آورده جدی نه برای دانشجو و نه برای هیأت علمی خود جز قدری درگیری با مسئله نظام آموزش و پرورش ندارد؛

روزی در تربیت معلم این کشور با همه ضعفهای آن، فضایی حاکم بود که دانشجو واقعا از آن حس و حال معلمی میگرفت. بردیم و در جایگزین، کتبی وارد کردیم که نتیجه اش شد علم زدگی محضی که ذهن هارا برای تربیت قفل زده است. اگرچه آقای دکتر صحرایی رویکردهای جدی و مثبتی برای تغییر دارد ولی غالب بدنه دانشگاه اصلا خود را موظف به تحول یا حتی تغییر نمی داند و از مغزهای منجمدی که دانشجویان منفعل تربیت میکنند چه انتظار تحول است. یکی از بزرگترین آسیب ها به دانشگاه و حتی به آموزش و پرورش، داشتن نگاه ابلاغی و بخشنامه ای است. نمونه آن طرحیست موسوم به نظامنامه فرهنگی دانشگاه که متأسفانه نه کفایت کارشناسی دارد و نه کفایت ادله مگر به اعمال سلیقه و اجبار در حوزه فرهنگی. هر دانشجو یک مهارت، ناشی از ناتوانی در اصلاح برنامه درسی رسمی و پر کردن خلأ آن به اجبار، در برنامه درسی غیر رسمی با صورتی نمایشی است !

فضای فرهنگی دانشگاه منسجم و هویت ساز نیست و برنامه ای برای ارتقای هویت معلمی در دانشگاه وجود ندارد که محصول آن با هویتی نابالغ وارد بدنه تعلیم و تربیت کشور میشود، آنگاه است که باید به حال آینده آن ملت گریست و کسی نیست که فریاد بزند. دانشجو منتظر کدام بخشنامه بماند تا شوق پرواز را در دل او افکند؟ حراست دانشگاه هم با نگاه های امنیتی، پویایی و برخاستن را از دانشجویان میگیرد، میباید کسی آزادانه حرفش را بزند و جواب درست بگیرد و اسم آن را حراست از آرمان های انقلاب می گذارد. آرمان انقلاب، آزادی و حق بیان برای تمام مردم، اسلام معنویت همراه با عدالت و اسلام استقلال آزادی جمهوری اسلامی است؛

قصد پر غصه جذب و گزینش را همه از بر هستیم ولی نمی دانیم چرا هیچ اقدامی برای اصلاح آن صورت نمیگیرد. تا بحال حتی یک بار هم در قانون گزینش بازنگری و پویایی صورت نگرفته است و همچنان شاهد گزینش های توخالی هستیم. امسال حدود ۵۰ هزار نفر معلم جذب آموزش و پرورش شدند که برخی حتی خدا را هم قبول نداشتند. افرادی جذب دانشگاه می شوند که هیچگونه سختی با معلمی ندارند و در پایان چهار سال راهی مدرسه هایی میشوند که حتی خودمان هم حاضر به فرستادن فرزندانمان به آن مدارس نیستیم. با تصمیمات «حالا برویم جلو ببینیم چه میشود» نه میتوان مدیریت کرد، نه میتوان اصلاح کرد و نه تحول آفرید؛

مگر رهبر انقلاب نکفت جذب برف انباری نکتید، مگر نکفت اینجا مرکز ثقل است. ولی اقدامات جدی صورت نمیگیرد یا اگر میگیرد حداقلی است و دانشگاه در مسیر تولید دوباره قرار نمیگیرد. چرا باید همه فکر کنند که شعارهای انقلاب فقط لقلقه زبان هاست. امروز آموزش و پرورش مرد میدانی میخواهد که با همه توان مقابل برخی نماینده مجلس هایی بایستد که استخدام را بازپچه ای برای اخاذی رأی قرار میدهند. تمامی مسیرها باید به مرجع بودن دانشگاه فرهنگیان ختم شود و ملاحیت سنجی به عهده مراجع تخصصی در همین دانشگاه باشد. خدا شاهد بر سوختن های ظرفیت دانشجوی معلمان در رویش های اندک، آن هم با خون دل خوردن و ریزش های بسیار انسان ها در این دانشگاه است. چه کردیم و چه پاسخی در مقابل پروردگار داریم.

فرار اعضای کمیسیون آموزش مجلس از پاسخگویی به دانشجو معلمان

با توجه به دغدغه های گوناگون دانشجو معلمان در خصوص نظام آموزشی و بیانات و مطالبات چندین ساله رهبر انقلاب در موضوع نظام تعلیم و تربیت و ساختار های آن، بسیج دانشجویی مرکز شهدای مکه سعی داشت در ایام روز دانشجو از اعضای کمیسیون آموزش مجلس دعوت به عمل بیاورد تا پاسخگو مطالبات دانشجومعلمان باشند برای همین موضوع طبق درخواست خود اعضا، نامه های جداگانه ای به دبیرخانه مجلس ارسال کرد که علارغم تایید اولیه و اعلام آمادگی در روز قبل از برنامه مهمانان، حاضر به حضور در دانشگاه نشدند. این در حالی است که اول با اعلام آمادگی درخواست ارسال دعوت نامه رسمی کردند تا در رزومه خود داشته باشند. از همین رفتار ها می توان به مظلومیت تعلیم تربیت پی برد، هرچند ما دانشجویان هیچ وقت با این موارد دل سرد نشده بلکه مصمم تر برای اصلاح این نظام آموزشی غلط خواهیم شد؛

مجیدملکی

دانشجو معلم و فعال تعلیم و تربیت

ارتباط با نشریه فرهنگراه



کانال تلگرام

@FARHANGRAH_CFU

ادمین تلگرام

@FARHANGRAH_AD



رمزبینه اینستاگرام @FARHANGRAH_CFU



QR

@FARHANGRAH_CFU رمزینه اینستاگرام

برای نویسندگی در این بخش با آیدی زیر از تلگرام در ارتباط باشید

@FARHANGRAH_AD

قوانین جالب و کمتر شنیده شده که در دانشگاه های برتر دنیا اجرا می شوند!

تمامی محیط های آموزشی در تمامی کشور ها ویژگی های منحصر به فردی دارد اما این بار می خواهیم با هم برخی قوانین مشترک بین دانشگاه های برتر دنیا را بررسی کنیم؛

متن: به دانشگاهی واقع در شهر کمبریج در ایالت ماساچوست با قدمت 386 ساله می رویم که قدیمی ترین دانشگاه آمریکا محسوب می شود، دانشگاهی با 22 هزار دانشجو در رشته های مختلف و با مساحت 85 هکتار، اما قوانین مهم این دانشگاه چیست؟

دانشجویان موظفند در محیط خوابگاه و رستوران بلوز، پیراهن یا ژاکت یقه دار یا بدون یقه بپوشند؛ پوشش شلوار آنها نیز باید بدون پارگی و ضخیم باشد؛

به استثنای رستوران، در همه جا مردان باید تنها پیراهن یقه دار بدون کراوات و زنان نیز باید پوششی متعارف و مناسب داشته باشند. دانشجویان موظفند مهمانان خود را از این قوانین پوششی مطلع نمایند؛

تمامی محیط های آموزشی در تمامی کشور ها ویژگی های منحصر به فردی دارد اما این بار می خواهیم با هم برخی قوانین مشترک بین دانشگاه های برتر دنیا را بررسی کنیم

متن: به دانشگاهی واقع در شهر کمبریج در ایالت ماساچوست با قدمت 386 ساله می رویم که قدیمی ترین دانشگاه آمریکا محسوب می شود، دانشگاهی با 22 هزار دانشجو در رشته های مختلف و با مساحت 85 هکتار، اما قوانین مهم این دانشگاه چیست؟

(HARVARD UNIVERSITY) دانشگاه هاروارد آمریکا:

دانشجویان موظفند در محیط خوابگاه و رستوران بلوز، پیراهن یا ژاکت یقه دار یا بدون یقه بپوشند؛ پوشش شلوار آنها نیز باید بدون پارگی و ضخیم باشد. پوشیدن کفش چرمی یا متعارف در محیط دانشگاه و خوابگاه الزامی است. دانشجویان که در بعدازظهر شنبه و یکشنبه ها برای صرف شام بیرون می روند، مردان موظفند ژاکت یقه دار به همراه کراوات و زنان نیز لباسی مناسب و شایسته داشته باشند.

افرادی که مایل به شرکت در برنامه های ورزشی هستند باید لباس و پوشش مناسب داشته باشند. در باشگاه خصوصی وابسته به دانشگاه هاروارد، به استثنای رستوران، در همه جا مردان باید تنها پیراهن یقه دار بدون کراوات و زنان نیز باید پوششی متعارف و مناسب داشته باشند. دانشجویان موظفند مهمانان خود را از این قوانین پوششی مطلع نمایند

در این دانشگاه دانشجویان در طول شبانه روز نظام و ضوابط پوششی متفاوتی دارند. در تمام ایام هفته در رستوران و به هنگام صرف نهار مردان باید یک ژاکت و در هنگام صرف نهار یک ژاکت به همراه کراوات بر تن کنند. زنان نیز موظفند پوششی مناسب اعم از پیراهن یا لباس بلند و متعارف داشته باشند. پوشش شلوار جین در همه انواع آن در محوطه دانشگاه ممنوع است

لباس های چسبان، راحتی، عرق گیر، بدنسازی، شورت ورزشی و شلوارک در هیچ زمانی و هیچ مکانی مجاز نیست، مگر در مواردی که فرد در قسمت مربوطه یا اتاق خواب خود حضور دارد

بسیاری از قوانینی که در دانشگاه های مطرح دنیا وجود دارد بسیار سخت تر از قوانین مربوط به پوشش در دانشگاه ها و محیط های آموزشی کشور ایران است؛ تا حدی که بسیاری از افراد با مطالعه این قوانین و بدون اطلاع از دانشگاه مربوطه، گمان می کنند این قوانین مربوط به دانشگاه های ایران است

شاید این سوال در بین مردم مطرح باشد که دانشجو باید به چه شکلی در دانشگاه که محل کسب علم و دانش از حضور پیدا کند جواب اینجاست که در هر کشور و در هر منطقه متناسب با فرهنگ و رسوم خود اقدام به وضع قوانین پوشش برای دانشجویان می کنند



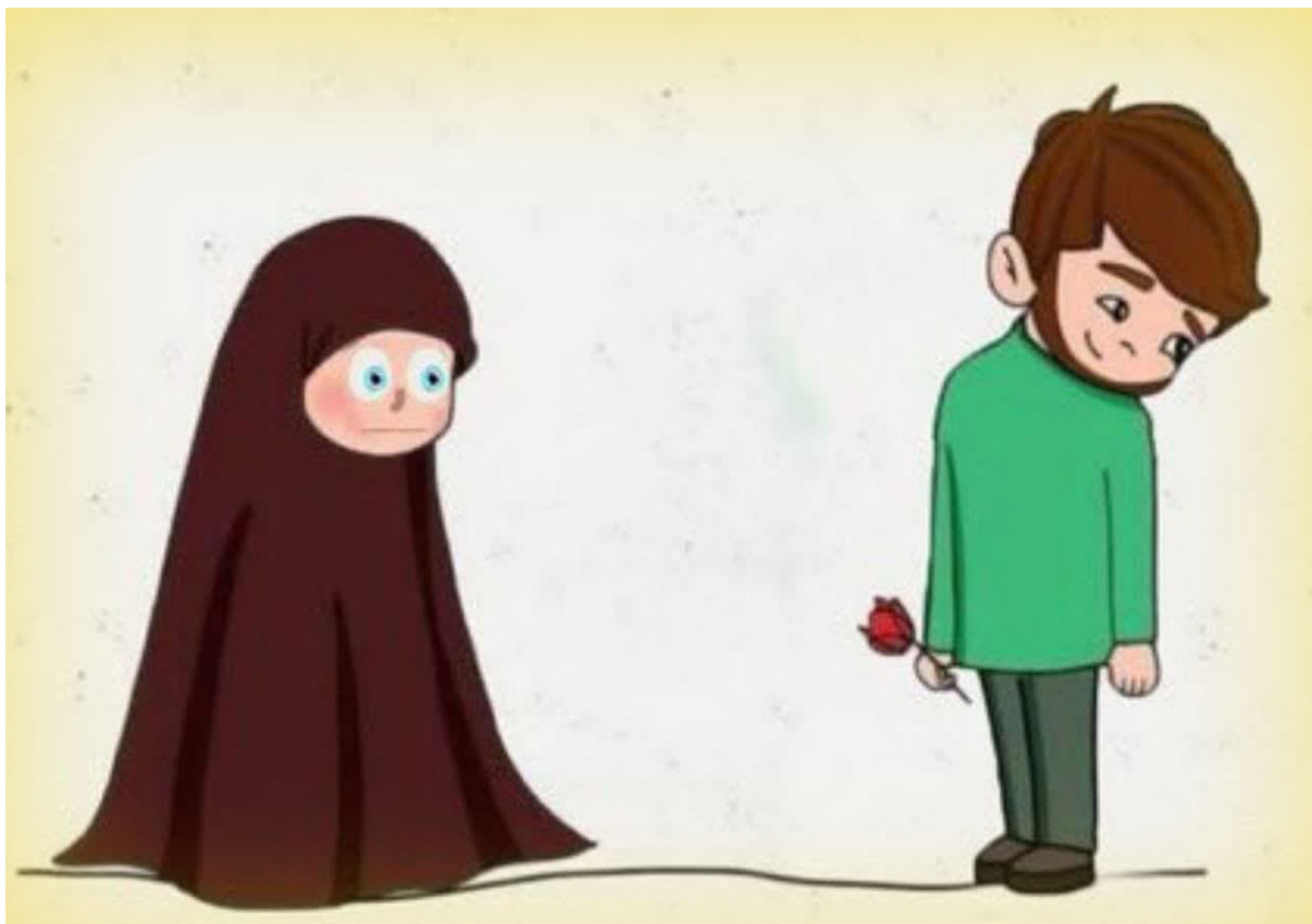


QR

رمزینہ اینستاگرام @FARHANGRAH_CFU

برای نویسنده‌گی در این بخش با آیدی زیر از تلگرام در ارتباط باشید

@FARHANGRAH_AD



مجرد شاداب تر است یا متاهل؟

برای پاسخ به این سوال باید اول به خودمان رجوع کنیم

چه اتفاقاتی ما را شاداب و خوش حال می‌کند؟

تحقیقات انجام شده در زمینه مسائل خانواده، در مجموع نشان می‌دهد که افراد ازدواج کرده به طور متوسط، سالم تر و خوشحال تر از آنهایی هستند که ازدواج نکرده اند. اما نگاه به زندگی و انتخاب صحیح همسر دو عامل مهمی هستند که باعث می‌شود یک زندگی مجردی تبدیل به یک زندگی کاملاً عاشقانه یا تبدیل به یک جهنم واقعی شود بستگی به ما دارد که چقدر در انتخاب و نوع نگاه خود دقت کنیم

حالا بریم کمی درباره اهمیت ازدواج صحبت کنیم

شهید مطهری درباره نقش ارزنده ازدواج می‌گوید: «... یک پختگی و پویایی وجود دارد که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود، در مدرسه پیدا نمی‌شود، در جهاد با نفس پیدا نمی‌شود، در نماز شب پیدا نمی‌شود؛ این کمالات را فقط باید در ازدواج و تشکیل خانواده به دست آورد. و لذا، هیچ وقت نمی‌شود که یک کشیش، یک کاردینال به صورت یک انسان کامل در بیاید، اگر واقعاً در کاردینالی خودش صادق باشد»؛

یعنی علاوه بر نقش آرامش بخش بودن و... ازدواج آثار تربیتی دارد و انسان چه مرد چه زن با ازدواج رشد اخلاقی، معنوی و حتی فکری می‌کنند. این از مقدمه در شماره های بعدی نشریه فرهنگراه منتظر راهکار های انتخاب صحیح همسر و ویژگی های یک همسر خوب، باشید؛



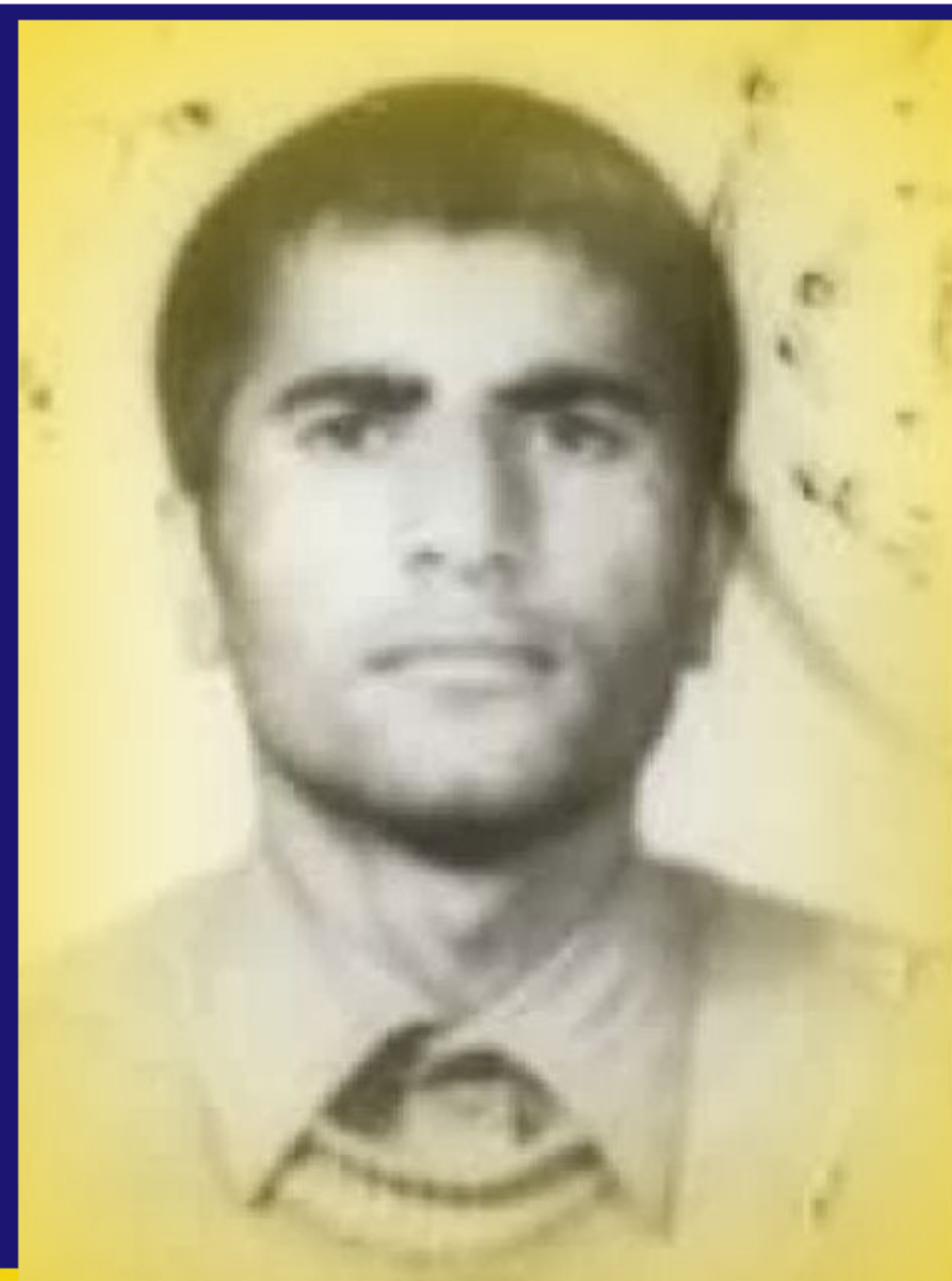


QR

رمزینده اینستاگرام @FARHANGRAH_CFU

برای نویسندگی در این بخش با آیدی زیر از تلگرام در ارتباط باشید

@FARHANGRAH_AD



معلم شهید حمزه علی احمدی

نام و نام خانوادگی:
شهید حمزه علی احمدی

نام پدر: قبادعلی

تاریخ تولد: 1341

محل تولد: دهدز-ایذه

تاریخ شهادت: 26/8/1361

محل شهادت: عملیات مسلم بن
عقیل (جاوید الاثر) عملیات مسلم بن
عقیل که (آر پی جی) زن نیز بود به
درجه رفیع شهادت نایل آمدند؛



بخشی از وصیت نامه شهید

من آرزو داشتم جامعه ای را ببینم که امام زمان (عج) آن را می سازد و در آن غیر از راستی و ایمان و اعمال صالح چیزی نیست . من آرزو داشتم که درد و رنج تمام مادران (به خصوص آنها که ازنداری مال و دوست داشتن فرزند 12 ماه روزه هستند) برداشته شود. من آرزو داشتم که نوجوانان و کودکان از همان آغاز زندگی در مسیر هدایت که اسلام است قدم بردارند. وصیت من به آنها که هم مکتب من هستند این است که فقط و فقط در فکر جبهه و شهادت نباشند انجام دادن وظیفه ای که هر فرد مسئول آن است خود جبهه ای می باشد که شیاطین درونی (نفس اماره) و شیاطین بیرونی در آن جبهه در برابر انجام وظیفه به روش اسلامی در مقابل تک تک افراد مسئول لشکر کشیده اند و آماده و در حال جنگند. از خواهران مکتبی می خواهم که انجام دادن فعالیت مذهبی را موقعی بپذیرند که به عفت اسلامی آنها کوچکترین لکه ای وارد نکند و از دیگر خواهران می خواهم که خود را با لباس و طلا و نقره زینت ندهند. اینها زرق برق دروغین است. زینت حقیقی عفت و پاکی است. آنکه عفت دارد سراپا زیور و زینت است و آنکه عفت نداشته باشد، حتی اگر از فرق سر تا نوک پایش طلا باشد هیچ ارزش و احترامی ندارد. از مسئولان و کارکنان و مستخدمان ادارات و معلمان می خواهم ببینند آیا در حقوق و خرج و فرش منزل آنها پولی از قیمت خون شهدا خرج نشده است. اگر شهدا حقی بر آنها دارند (که حق هم دارند) آن حق را با انجام وظیفه ی دقیق و خالصانه و بدون حقه و ریا ادا کنند و با امروز و فردا کردن و رشوه گرفتن و کار پولدارها و آشناها و اقوام ها را تند تر انجام دادن مردم را به انقلاب بدبین نکنند. زیرا که خدایی در کمین (ان ربک لبالمرصاد) و قیامتی در پیش است و با آشنایان و اقوامشان مانند کاری که حضرت علی (ع) با برادرش عقیل کرد رفتار کنند. حضرت علی(ع) با آهن داغ دست برادرش را سوزاند و گفت من از داغی عذاب قیامت می ترسم که آشنایان و اقوام را بیشتر بدهم و کارشان را تند تر از دیگران انجام دهم. از دوستان کوچولویم از ابتدایی و راهنمایی تا دبیرستانی می خواهم در جلسات مذهبی و در مسجد و جاهای دیگر شرکت کنند و با عبادت دل خود را قوی کنند و با مطالعه فکر خود را قوی کنند و با ورزش جسم خود را قوی کنند؛





QR

رمزبینه اینستاگرام @FARHANGRAH_CFU

برای نویسندگی در این بخش با آیدی زیر از تلگرام در ارتباط باشید

@FARHANGRAH_AD

آیا دانشگاه به ارتقا و افزایش توانمندی ها من در همه ی ابعاد توجه دارد؟
این مطالبات زیر آوار مطالبات منفی گم شده، آیا ما به فکر این مباحث هستیم؟
پرسشگر؛ شخص د:
ما حس میکنیم در تصمیم گیری ها هیچ نقشی نداریم، چطور میتونیم تاثیر گذار باشیم؟
پاسخگو؛ شخص الف:
جواب شما را باید در خود شخص دانشجو معلم یافت؛ جواب یک کلمه است؛ رخت و بی رمقی دانشجو معلم، دانشجو معلم باید کنشگر باشد، از حاشیه ی امن و مثلث سلف، خوابگاه و کلاس بیرون بیاید، در جستجوی انواع و اقسام روحیات و صفاتی باشد که برای امروز و فردای خودش و جامعه کاربردی باشد؛

استاد از او خواست تا دوباره مطلبش را مطرح کند.
پرسشگر؛ شخص د(دانشجو):
آیا جمهوری اسلامی در نهایت تعالی و بدون هیچ عیبی است که به آن مقدس میگوید؟
پاسخگو؛ شخص الف(استاد):
شما تا به حال به مشهد رفتید؟
اگه یادتون بیاد دم در خونه که می رسیدید خانواده سر شما رو می بوسیدند
شما که هنوز به جای مقدس نرفته اید، ولی خانواده به شما بوسه میزنند، علت آن این است که شما در مسیر مقدسی هستید، اصلا هنوز به هدف نرسیدید اما چون در مسیری با ارزش و اصیل هستید، شما مقدس هستید
پرسشگر؛ شخص د:
یک سوال از شما دارم؛ آیا انتخاب نوع پوشش _ جزو آزادی های فردی محسوب می شود یا خیر؟ این حق هر فرد نیست که از ساده ترین و اولیه ترین حق خود استفاده کند؟ چرا فقط به ما دیکته می شود چادر به سر کنیم؟
پاسخگو؛ شخص الف:
اولا حجاب به معنای پوشیدن سالم است و حجاب _ فقط چادر نیست، البته که بهترین حجاب چادر است و چادر لباس ملی ماست؛ چادر بیش از آنکه لباس ایرانی باشد یک لباس ملی است؛
ثانیا در اسلام نوع پوشش معین نیست بلکه _ مقصود معین است، مقصود این است که دیدار و ملاقات طبیعی و روزمره مرد و زن تبدیل به عامل تحریک نشود؛

ثالثا چادر و حجاب هیچ منافاتی با هیچ تحرکی در _ زن ندارد، اگر واقعا بنای تحرک و کار اجتماعی و کار سیاسی و کار فکری باشد، چادر می تواند لباس رسمی زنان باشد؛
رابعا شما مدل پیشنهادهی خودتون رو برای اصل _ پوشش بفرمایید سر اون بحث می کنیم؛
پرسشگر؛ شخص د:
فکر کنم راجع به حجاب به توافق نمی رسیم، همین دانشگاه خودمون، مگه نمیگیم اگر تمام اهل آسمان و زمین از معلم تجلیل کنن باز هم حق مطلب رو ادا نکردن، پس چرا ما اینهمه معضل تو دانشگاه داریم، مشکلات بی شمار منفی کم و کاستی های سلف و... مگه تو اسلام به شان معلم تاکید نشده؟

پاسخگو؛ شخص الف:
درست میفرمایید، سکه هر دولتی که پر رونق شد، با مهر فرهنگ ضرب شده بود، مطالبات منفی و رفاهی هم کاملا به حق است و حقیقتا هیچ دولتی توانایی پرداخت اجر واقعی کار معلم خیر را نخواهد داشت و باید پاداش کار معلم را در عرش الهی جستجو کرد اما چند نکته در این خصوص حائز اهمیت است؛ کمتر دیده می شد در کنار مطالبات منفی و رفاهی و... دانشجویی بلند شود و بیان کند که من قراره فردا معلم بشوم، آیا توانایی این کار را داریم؟

قرار است فرزندان این سرزمین ساعت های طولانی از بهترین سال های زندگی خود را در کلاس من بنشینند، آیا توانایی تربیت خواهم داشت؟ من در کنار آموزش چه مباحث تربیتی را می خواهم کار کنم؟

امروز 16 آذر روز دانشجو، در فصل هزار رنگ پاییز؛ دانشکده ی ما میزبان استادی از دانشگاه انقلاب است، استاد وارد سالن آمفی تئاتر شد، ساختمانی میان درختان ایستاده و همیشه سبز سرو؛ استاد آشنای خاص و عام بود، همه او را میشناختند، عده ای به سبزی و عده ای به استواری و عده ای ستایشگر آزادی او؛

استاد با دعوت مجری پشت تریبون آمفی تئاتر رفت و با یاد خدا شروع کرد؛
من آمدم از انقلابی مقدس بگویم...
جمعیت ساکت، در انتظار خطابه استاد.

استاد ادامه داد: جدیدا یک تحقیق انجام دادم؛ اینگونه بود که مشکل اساسی کشور خودمان را از میان چالش های مهم کشور شناسایی کردم و به دو گروه با ریشه ی اجرائی و ایدئولوژی تقسیم کردم؛
همچنین تعداد 100 مشکل 5 کشور مشهور سکولار را به دو قسمت فوق تقسیم کردم؛

در انتهای تحقیق به این نتیجه رسیدم که تعداد مشکلات ناشی از ایدئولوژی در کشور های مذکور، بیش از مشکلاتی می شود که به دستگاه اجرایی مرتبط باشد؛

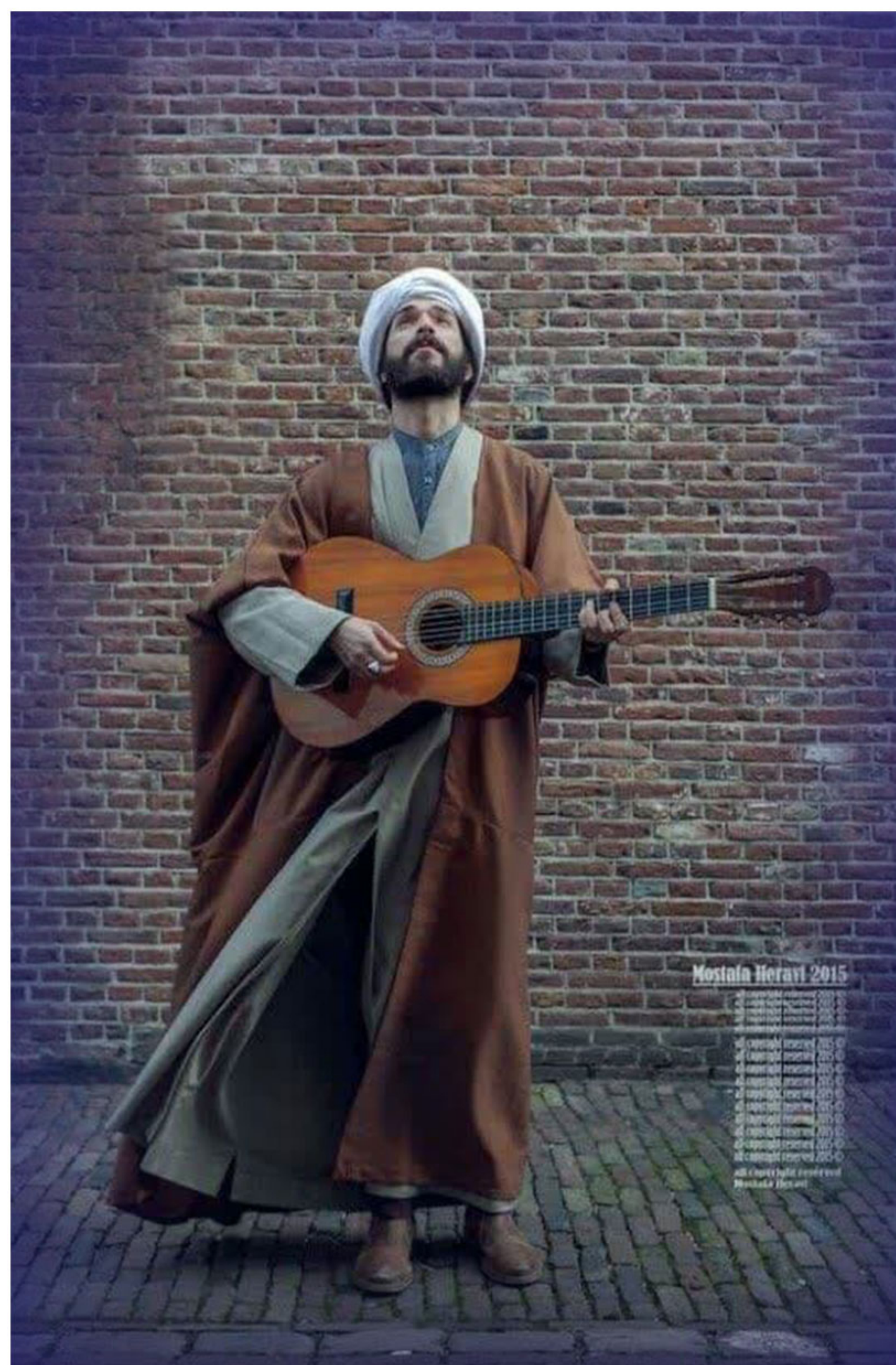
و در کشور ما بالعکس، عقاید و ارزش ها و اصولی که به آن پایبندیم به مثابه ریشه ای سالم کمترین چالش های ممکن را برای جامعه و سیستم ایجاد می کند، حال دشمن آتش توپخانه ی خود را دقیقا به سوی همین قسمت جامعه نشانه گرفته و می خواهد دارایی ارزشمند را از ما بگیرد؛

استاد ادامه داد:

سال های آخر عمر حافظ(علیه الرحمه) شیراز شلوغ شده بود، پیرمرد رنجور، در گوشه ای شاهد ماجراها بود و دلگیر از اوضاع زمانه و این غزل معروف را سرود؛

سحرگه ره روی در سرزمینی
همی گفت این معما با قرینی
که ای صوفی شراب آن گه شود صاف
که در شیشه برآرد اربعینی
نمی بینم نشاط عیش در کس
نه درمان دلی نه درد دینی
درون ها تیره شد باشد که از غیب
چراغی بر کند خلوت نشینی
گر انگشت سلیمانی نباشد
چه خاصیت دهد نقش نگینی
نه حافظ را حضور درس خلوت
نه دانشمند را علم البقینی

جمعیت با شوق به فرمایشات استاد گوش می دادند، استاد که شعر را خواند یک دانشجو از ردیف جلو بلند شد و با حالتی تحکم وار به استاد گفت؛
استاد شما اول سخرانیتون گفتین می خواهم از انقلاب مقدس بگم؛ نگویید که آن انقلاب مقدس همین انقلاب ما هست! جمعیت دانشجویان در حال پچ پچ با هم و متعجب از اوضاع پیش آمده بودند که استاد از آن دانشجو درخواست کرد به سمت تریبون بیاید؛



ارتباط با نشریه فرهنگراه



کانال تلگرام

@FARHANGRAH_CFU

ادمین تلگرام

@FARHANGRAH_AD



رمزبینه اینستاگرام @FARHANGRAH_CFU



QR

رمزینہ اینستاگرام @FARHANGRAH_CFU

برای نویسندگی در این بخش با آیدی زیر از تلگرام در ارتباط باشید

@FARHANGRAH_AD

با سلام خدمت همه دانشجومعلمانی که در حال مطالعه نشریه
فرهنگراه هستند

این قسمت ویژه تک تک شما دوستان است
زمان آن رسیده است که ما دانشجومعلمان صحبت کنیم و راحت
حرف دل مان را بزنیم؛
این قسمت برای شماست..

هر مطلبی اعم از انتقاد از دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش کشور
یا حتی انتقاد از نشریه دارید یا اگر یادداشت یا دل نوشته ای دارید
خوش حال می شویم برایمان یا به صورت مستقیم یا از طریق لینک
ناشناس به اشتراک بگذارید تا ان را در شماره بعدی در همین قسمت
منتشر کنیم؛

گروه حرف دانشجو نشریه فرهنگراه





QR

@FARHANGRAH_CFU رمزینه اینستاگرام

برای نویسندگی در این بخش با آیدی زیر از تلگرام در ارتباط باشید
@FARHANGRAH_AD

تحلیل راننده تاکسی ها از آنچه در اینستاگرام می بینید به شما نزدیک تر است.



این اتاق پژواک (اصطلاحی در حوزه ی رسانه به معنی محاصره شدن افراد توسط رسانه با یک تفکر به این شکل که آن تفکر مداما برایش با اشکال گوناگون تکرار

می شود) مملو از تحلیل در اینستاگرام، تلگرام، ماهواره و حتی صدا و سیما، افراد جامعه را به کوه های داده و اطلاعات تبدیل می کند و این کوه های داده چون تحلیل کردن را در سطحی ترین حالت ممکن دنبال می کنند عمق چندانی ندارد و افراد را متفکر کاذب بار می آورد؛ متفکر کاذبی که اتفاقاً آن قدر مغرور است که به زبان خودمان دیگران را آدم حساب نمی کند حتی آن تحلیل گر واقعی را؛

سوال اصلی اینجاست که اگر این چرخه ی پرورش متفکر کاذب مثلاً در مدرسه و توسط معلم بشکند و دانش آموز از سطح به عمق بیاید و دغدغه و نگاه پیدا کند و صرفاً ضبط صوت بنگاه های خبرپراکنی نباشد، چه رخ خواهد داد؟ آیا تحول در جامعه جز با شکستن همین چرخه های معیوب میسر است؟

قبل از رسیدن به پاسخ های بالا نیاز است تا معلم خود از سطح به عمق بیاید، از قدیم گفته اند ای که دستت می رسد و توانایی داری دستی بگیر، به فقیر و ناتوان که حرجی نیست

جمعیت زیادی از مردم در کشور ما دچار بیماری راننده تاکسی بودن شدند (#صرفاً جهت اطلاع : البته به قشر زحمتکش رانندگان تاکسی، اسنپ و برنخورد...، منظور ما اقلیتی بین راننده تاکسی هاست که تحلیل هایشان به جای در پیت استفاده می شود، از همین تریبون دست تمامی این افراد زحمتکش را می بوسیم) نه اینکه خودشان راننده تاکسی باشند بلکه تحلیل هایشان و اذهانشان تبدیل به ذهن یک تحلیل گر همه چیزدان شده که حقایق جهان را با یک جمله برای انسان هویدا می کنند. سوالی که پیش می آید این است که این موضوع به معلم چه ربطی دارد؟ اما داستان دقیقاً مامعلم ها هستیم؛

رادیوی تاکسی خط شهریار فوتبال پخش می کند، بازی هلند و آمریکا است؛ راننده تاکسی محترم تلنگری به پای من که کنارش نشسته ام می زند و نطق خود را شروع می کند: این آمریکا همه رو میزنه، پول داره، قدرت داره، فورد و مک دونالد و همه ی اینا مال آمریکاست، هلند که چیزی نیست گنده تر از هلندم میزنه

صدای رادیو بلند می شود: گلگل، گلگل برای هلند توسط ممفیس دپای

من سعی می کنم زیر ماسک خنده ام را جمع کنم. راننده می رود در سکوت و با نگاهی نوسترآداموس طور می گوید : فرجه دادن به هلند، الان اگر آمریکا چهار پنج تا بزنه بیشتر کیف میکنه یا اینکه دو یک ببره ؟

آخرهای مسیر است که صدای رادیو دوباره بلند می شود : گلگل، گل گل دوم برای هلند

آقای حدوداً سی ساله ای که پشت نشسته بود، کرایه اش را می دهد و به راننده می گوید: منتظر باش آمریکا یازده به ده ببره

فارغ از اینکه آمریکا و هلند چند چند شد و ما دوست داشتیم آمریکا حذف شود یا نه، یک موضوعی بشدت ذهن من یا به بیان بهتر ما را مشغول می سازد که در روز چقدر از این تحلیل های راننده تاکسی طور در جامعه انتشار می یابد؟ یا اگر بخواهیم به عنوان یک معلم نگاه بیندازیم، چقدر از این تحلیل ها در ذهن نوجوانان و بدتر در ذهن کودکان تهنشین می شود؟ تهنشینی این حجم از تحلیل چه بلایی به سر نگاهشان به زندگی، آینده و از همه مهم تر هویتشان می آورد؟

داستان اصلی آنجایی آغاز می شود که این تحلیل های کم عمق درباره ی مسائلی ارائه می شود که نوجوان با آن درگیر است، مانند کنکور، شغل، آینده، مسائل جنسی (#اسپویل: این موضوع داستان شماره های بعدی خواهد بود) و...؛ آن وقت عواقب و اثرات منفی خود را با ناهنجاری ها نشان می دهد؛





QR

رمزینا اینستاگرام @FARHANGRAH_CFU

برای نویسنده در این بخش با آیدی زیر از تلگرام در ارتباط باشید
@FARHANGRAH_AD



خوش رنگ و لعاب مثل هتل بوداپست... یک کمدی جنایی عاشقانه؟



در این فیلم بیشتر از رنگ های شاد و روشن استفاده شده که به نوعی با ژانر فیلم که کمدی است تا حدودی مطابقت داشته باشد. در طول فیلم رنگ بنفش با زیرسایه پرتقالی مشهود است لباس ها به رنگ بنفش و دیوار ها تا حدودی با رنگ پرتقالی تیره و روشن. صحنه ای در آسانسور با حضور گوستاو، زیرو مصطفی و مادام دی و همچنین آسانسورچی را در فیلم می بینیم که نقش رنگ در آن صحنه بسیار بسیار مشهود است به طوری که تمامی دیوار های آسانسور به رنگ قرمز گوجه ای متالیک و لباس های افراد به رنگ بنفش است که این تقابل رنگی بر زیبایی و جذابیت بصری اثر می افزاید. از آنجایی که دیوار های هتل پر از نقاشی ها و تابلو های هنری متفاوت و همچنین رنگ های جذاب است خود نشانه عاقله وس اندرسون به هنر نقاشی می باشد. در آخر باید گفت اگر میخواهید کمدی را همراه با جذابیت رنگی و بصری و فیلمبرداری خیره کننده و بازی درخشان نقش اول آن تماشا کنید هتل بزرگ بوداپست گزینه مناسبی برای شماست؛

این فیلم روایتگر داستان آقای گوستاو مدیر هتل بوداپست است که به دلیل رابطه عاشانه اش با پیرزن نا جذابی به اسم مادام دی وارث تابلوی نقاشی ای با ارزش می شود. اما با قتل مادام دی و اتفاقی که برای او می افتد و همچنین با ورود فرزندان او به ماجرا داستان کمی پیچیده شود. روایت داستان بر عهده "زیرو مصطفی" پادوی تازه استخدام شده هتل بوداپست است که در چهار خط زمانی متفاوت اتفاق می افتد. همین مسئله کمی باعث پیچش و انعطاف پذیری فیلمنامه می شود که ممکن است کمی مخاطب را سردرگم کند اما به گونه ای نیست که بیننده خط اصلی داستان را گم کرده و از داستان دور شود. فیلمنامه به نوعی الیه به الیه است یعنی از سطح شروع می شود در اواسط فیلم به درونی ترین الیه ها می رسد و در انتها دوباره به سطح باز می گردد. همین ویژگی باعث درگیری مخاطب با روایت می شود که خود می تواند مخاطب را جذب دیدن ادامه ماجرا کند؛

وسواس در کادربندی و فرینه سازی

هر کارگردانی امضای شخصی خودش را دارد وس اندرسون نیز از این قاعده مستثنی نیست او در هر پالن این فیلم همانند اکثر آثارش با وسواس فراوان از کادر هایی منظم و متقارن استفاده می کند همین ویژگی فانتزی گونه آثار اندرسون که در فیلم هتل بزرگ بوداپست نیز قابل مشاهده است باعث متمایز شدن آنها می شود. وس اندرسون مخاطب را با مواجه کردن با این کادربندی های زیبا و چشم نواز بر سر ذوق می آورد. اما او فقط به کادربندی دقیق اکتفا نمی کند و دیگر عنصری که او همواره از آن استفاده می کند رنگ است که باعث می شود آثارش مانند رنگین کمان خوش رنگ و لعاب باشند؛

THE GRAND BUDAPEST HOTEL (2014)

GENRE: COMEDY / DRAMA

IMDB: 8.1

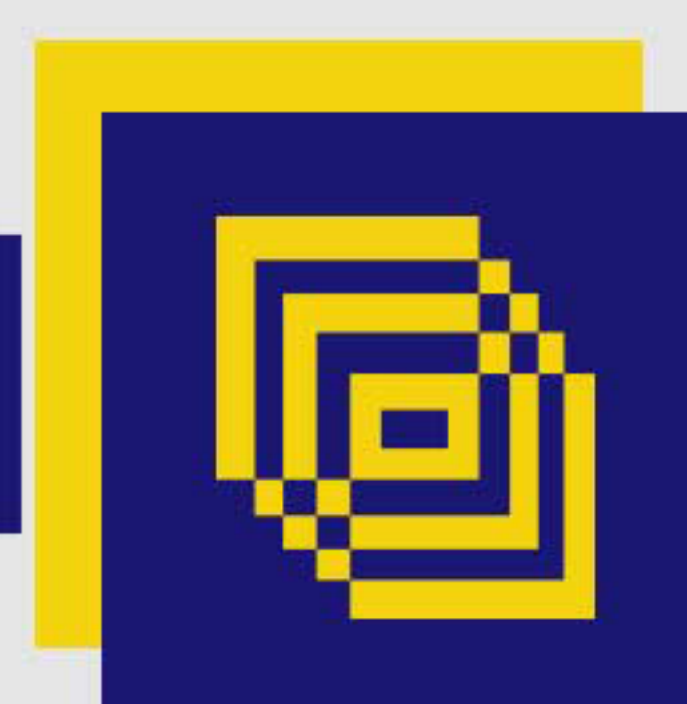
اثر وس اندرسون فیلمساز آمریکایی

که سبک فیلم سازی و فیلم برداری کارهایش منحصر به فرد و خیره کننده است؛
این فیلم روایتگر داستان آقای گوستاو مدیر هتل بوداپست است که به دلیل رابطه عاشانه اش با پیرزن نا جذابی به اسم مادام دی وارث تابلوی نقاشی ای با ارزش می شود. اما با قتل مادام دی و اتفاقی که برای او می افتد و همچنین با ورود فرزندان او به ماجرا داستان کمی پیچیده شود؛



فرا
نشریه تخصصی
دانشجویی
دانشگاه فرهنگیان استان تهران

ارتباط با نشریه فرهنگراه



کانال تلگرام

@FARHANGRAH_CFU

ادمین تلگرام

@FARHANGRAH_AD



@FARHANGRAH_CFU

رمزینده اینستاگرام